بوشهر و جنگ جهانی اول

علی سلطانی شایان[1]

چکیده

در جنگ جهانی اول، ایران تبدیل به عرصه‌ای برای کارزار روسیه، عثمانی، انگلیس و حتی آلمان‌ها شد. قبل از این انگلیس و روسیه طی قرارداد ۱۹۰۷ ایران را به سه منطقه تحت نفوذ تقسیم کرده بودند: روس‌ها در شمال، انگلیسی‌ها در جنوب، و یک منطقه بی طرف در مرکز.

با آغاز جنگ، موقعیت برتر نظامی و تجاری بوشهر باعث شد تا همزمان مورد توجه قدرت‌های بزرگ قرار گیرد. بنابراین انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۳ق./۱۹۱۵م. در زمان حکمرانی موقرالدوله، آنجا را به تصرف خود در آوردند. با وجود تصرف آسان آنجا، مقاومت‌های سرسختانه‌ای توسط عشایر تنگستانی و قشقایی، مثل رئیسعلی دلواری، ناصردیوان، صولت‌الدوله، شیخ حسن چاه‌کوتاهی و زایرخان اهرمی در مقابله با نیروهای انگلیسی صورت گرفت. انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۴ق./۱۹۱۶م. در صفحات جنوبی کشور نیرویی به نام تفنگداران پلیس جنوب را در جهت به کارگیری اهداف خود تشکیل داده و آن را جایگزین نیروی ژاندارمری کردند.

از طرف دیگر واسموس، کنسول آلمان در بوشهر به فعالیت علیه نیروهای انگلیسی پرداخت و موفق شد ضرباتی را به قوای انگلیسی وارد سازد. با وجود مقاومت‌های نیروهای محلی و سران عشایر، انگلیسی‌ها تا پایان جنگ جهانی اول در منطقه حضور داشتند.

واژگای کلیدی: بوشهر، جنگ جهانی اول، اوضاع سیاسی، عشایر، واسموس، موقرالدوله

---

[1] کارشناس ارشد تاریخ (اسناد و مدارک آرشیوی) دانشگاه تهران A_soltanishayan@yahoo.com

با آغاز جنگ جهانی اول در شوال ۱۳۳۲ق./ اوت ۱۹۱۴م. دولت ایران بی طرفی خود را اعلام کرد. ولی قوای طرفین در جنگ به این منطقه یعنی ایران به عنوان یک امتیاز مهم در جهت پیروزی و رسیدن به اهداف خود می‌نگریستند. آنها می‌توانستند با تصرف ایران و در اختیار گرفتن آنجا از آن به عنوان پایگاه عملیات‌های خود استفاده کنند. بنابراین با توجه به قرارداد ۱۹۰۷م. انگلیس و روسیه مانعی در سر راه تحقق این هدف نمی‌دیدند. روسیه از شمال با استفاده از قوای قزاق و انگلیس در جنوب با یاری صاحب منصبان انگلیسی و هندی می توانستند پیشروی کنند. همچنانکه بعدها قرارداد ۱۹۱۵م. دست دو قدرت روس و انگلیس را در ایران بیشتر باز گذاشت؛ چرا که منطقه بی‌طرف در مرکز ایران از آن انگلیس شد و در عوض دست روسیه نیز در شمال باز گذاشته شد. دولت مرکزی نیز از قدرت کافی برخوردار نبود تا بتواند عکس‌العمل مناسب را نشان دهد و انگلیس می‌توانست با استفاده از این ضعف در عین حال که استقلال ایران را تحت نظر خود تأمین می‌نمود آن را به عنوان حصار و محافظ در مقابل قدرت‌های دیگر مثل فرانسه، روسیه، آلمان و عثمانی قرار دهد.

با پیوستن عثمانی به جنگ به نفع متحدین، انگلیسیها در پی آن بودند تا بتوانند موقعیت خود را در خلیج فارس تحکیم بخشند. موقعیت برتری که بوشهر در خلیج فارس داشت باعث شد تا آنجا را با وجود مقاومت‌های پراکنده مورد توجه خود و در نتیجه پایگاه عملیات‌هایشان در جنوب ایران قرار دهند. آنها می‌توانستند در صورت دستیابی به بوشهر آنجا را به صورت پایگاهی جهت عملیات در بین النهرین قرار دهند. همچنانکه نیروهای انگلیسی مستقر در بوشهر مدتی تحت فرماندهی نیروی بین‌النهرین بودند.(مابرلی، ۱۳۶۹: ۲۱)

عثمانی‌ها که در فاصله سالهای ۱۳۳۲-۱۲۸۸ق./۱۹۱۴-۱۸۷۱م. در بوشهر حضور داشتند، با آغاز جنگ جهانی اول به دلیل قرار گرفتن در جبهه متحدین و اشغال بوشهر توسط قوای انگلیس در سال ۱۹۱۵م./۱۳۳۴ق. مجبور شدند که برای همیشه بوشهر را ترک نمایند.(کاکس، ۱۳۷۷: ۷۱)

آلمان‌های مقیم بوشهر نیز در آغاز سال ۱۹۱۵م. توسط انگلیسیها توقیف شدند و همه آنها حتی کنسول و دیپلماتهای کنسولگری به‌وسیله هندیان تحت نظر گرفته شدند و

آنان را به هندوستان فرستادند و تحت نظر نگاه داشتند. تنها واسموس[1] کنسول سابق آلمان فرار اختیار کرده و به تنگستان پناه برد.(فراشبندی، ۱۳۶۵: ۳۶ و وادالا، ۱۳۵۶: ۶۱) او در آنجا موفق شد عشایر دوردست جنوبی را برضد انگلیسی ها بشوراند. واسموس جاسوس رسمی بود و وظیفه اصلی نامبرده هم این بوده است که در خلیج فارس مراقبت نماید، قوایی که از سوی انگلیسی ها به طرف بصره و بغداد می‌رود، گزارش دهد. ولی زمینه را در ایران و فارس مستعد تشخیص داده و مأموریت گرفته بود که فارس و بنادر را علیه انگلیسی ها بشوراند.(فراشبندی، ۱۳۶۵: ۱۴۴) او به سرپرستی هیئتی منصوب شده بود که قرار بود ایرانیان و افغانها را به مبارزه با بریتانیا برانگیزد.(مابرلی، ۱۳۶۹: ۸۹)

اگر چه فعالیتهای واسموس طی دو سال آغازین جنگ جهانی اول به نتیجه نرسید و دولت ایران رسماً به نفع آلمان وارد جنگ نشد، اما تلاش‌های وی در نواحی جنوب ایران و به ویژه استان بوشهر موجب گردید تا دولت بریتانیا بیشترین توان نظامی خود را صرف مبارزه با دلیران تنگستانی، دشتی و دشتستانی نماید.(مشایخی، ۱۳۸۶: ۲۰۸) تحریکات واسموس علیه بریتانیا باعث شد ناوهای جنگی انگلیسی برای رویارویی با هرگونه خطر احتمالی به جانب بوشهر و دلوار اعزام شوند. برای احضار یک واحد پیاده نظام هندی نیز که عازم بصره بود و برای استقرار احتمالی آن در بوشهر نیز اقداماتی به عمل آمد. هر چند که به خاطر رضایت بخش بودن اوضاع احتیاجی به پیاده کردن نیرو پیدا نشد.(مابرلی، ۱۳۶۹: ۹۰)

علی‌محمدخان موقرالدوله حاکم وقت بوشهر در تلگرافی به تاریخ ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳ق./۱۲ مارس ۱۹۱۵م. اوضاع بوشهر را چنین توصیف می کند: «الساعه که نیم ساعت به ظهر مانده از مسجد نو بوشهر برگشتم. هیجان عمومی به درجه‌ای است که فوق تصور است. چنین ازدحامی در بوشهر هیچ وقت دست نداده بود و کل علماء و عموم طبقات اهالی حضور داشته، ملخص خطابه علماء این بود که سه سال است بدون اینکه هیچ ضرر مالی و جانی از بنادر به انگلیسی‌ها رسیده باشد در آنجا اخلال کرده و

[1] wassmuss

عده‌ای قشون نگاه داشته و حالا هم هتک حرمت و نقض بی طرفی دولت را کرده اند... مردم منتظر اقدامات دولت هستند که فقط به همین امید امروز متفرق شدند و هیچ شبهه نیست که باز اجتماع خواهند کرد.»(سپهر، ۱۳۶۲: ۹۶)

مابرلی در حوادث جمادی الثانی ۱۳۳۳ق./مه ۱۹۱۵م. از برنامه یکی از کدخدایان روستاهای مجاور بوشهر علیه نمایندگی بریتانیا می‌نویسد: «حاکم ایرانی بوشهر(موقرالدوله) در پی اطلاع از برنامه یکی از کدخدایان روستاهای مجاور برای بسیج افراد مسلح و یورش بر نمایندگی بریتانیا، قوایی را در معیت چند ژاندارم برای دستگیری کدخدای مزبور اعزام داشت.» ولی با سرپیچی ژاندارمها از حکومت، حاکم بوشهر با حمایت نظامی بریتانیا «بر روستا هجوم آورده و کدخدا را دستگیر و اتباعش را پراکنده ساختند.»(مابرلی، ۱۳۶۹: ۱۰۲)

با آغاز جنگ جهانی اول، لیسترمن[۱] به عنوان کنسول آلمان جانشین واسموس در بوشهر شد.(سپهر، ۱۳۶۲: ۱۵۱-۱۵۳؛ مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۰) لیسترمن مأمور ایجاد درگیری بین نیروهای محلی با نیروهای انگلیسی بود، مبارزه علیه انگلیسی‌ها در بوشهر و نواحی اطراف سازماندهی کرد و توانست به خرابکاری در تأسیسات تلگرافخانه بوشهر و توزیع اسلحه بین مخالفان انگلیسی‌ها و طرفداران آلمان‌ها دست بزند.(سپهر، ۱۳۶۲: ۱۵۸ و مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۰) انگلیسی‌ها لیسترمن و فرد دیگری را به نام اینهوت[۲] (آیزنهوت) را دستگیر کرده و بلافاصله به هند تبعید کردند و همین امر باعث شد تا مردم بوشهر در اجتماع پرشوری به نقض حاکمیت و بی طرفی ایران اعتراض کردند و خواستار اقدامات جدی و فوری دولت شدند.(سپهر، ۱۳۶۲: ۱۵۳)

با وجود اینکه دولت ایران با آغاز جنگ جهانی اول اعلام بی طرفی نمود، ولی انگلیسیها نقض بی طرفی کردند و بوشهر را به عنوان کانون فعالیتهای خود در ایران قرار دادند. از دست دادن بوشهر به معنای تهدید منافع سیاسی و اقتصادی انگلیس بود که این امر در نهایت باعث ضعف آنها در برابر نیروهای آلمان می‌شد.

---

[۱] Listermann
[۲] Eisenhut

حملات رئیس‌علی دلواری در پی اعتراض به بازداشت لیسترمن باعث شد تا دولت بریتانیا با اشغال نظامی بوشهر، کنترل آنجا را در دست بگیرد. آنها با حملات زمینی و دریایی موفق شدند تا بوشهر را اشغال کنند.(همان: ۷۷ و مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۲) قوای مهاجم انگلیس روز ۲۶ ماه رمضان سال ۱۳۳۳ق. /۸ اوت ۱۹۱۵م.، بوشهر را بدون هیچ مقاومتی تصرف کردند.(سپهر، ۱۳۶۲: ۷۷؛ مابرلی، ۱۳۶۹: ۱۳۸) انگلیسی ها قسمتی از نیروهای هندی و انگلیسی را که بنا بود به بین النهرین بروند در بوشهر پیاده کردند و عمارت حکومتی و گمرک و سایر ادارات آنجا را اشغال نمودند و بر فراز آنها پرچم انگلیس را برافراشتند.(فراشبندی، ۱۳۶۵: ۱۴۲و۱۴۳) در حدود سی و پنج هزار قشون انگلیسی و هندی با مهمات و هواپیما وارد بوشهر گردید، ستاد ارتش انگلیس به فرماندهی ژنرال ادوارد و ژنرال راگلس در بهمنی برقرار شد.(همان: ۱۴۳)[۱]

قوای انگلیسی بلافاصله مقر حاکم بوشهر، ادارات گمرک و ساختمان پست و تلگراف را اشغال نمودند و اشخاص آزادیخواه و وطن دوست بوشهری را دستگیر و به شهر «تانه» هندوستان تبعید کردند.(رکن زاده، ۱۳۷۰: ۱۰۰؛ مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۳) در این موقع انگلیسی‌ها تمبرهایی را که روی آن «بوشهر در تصرف بریتانیا» نوشته شده بود منتشر کردند.(هدایت، ۱۳۶۱: ۲۷۰)

نقض بی طرفی ایران توسط انگلیس و اشغال بندر بوشهر و ضعف حکومت وقت و احساسات ضد انگلیسی که در ایران وجود داشت، باعث شد تا رئیسعلی دلواری علیه اشغالگران انگلیسی قیام نماید. انگلیسی‌ها نیز که چند روز بعد از ورود به بوشهر، نسبت به رئیسعلی خان دلواری به عنوان ارتباط با آلمان‌ها سوءظن پیدا کرده برای دستگیری او دلوار را که بندر کوچکی از تنگستان و در شش فرسخی بوشهر است، اول با کشتی جنگی بمباران کردند و بعد قوایی پیاده نموده، به قلعه دلوار حمله کردند.(فراشبندی، ۱۳۶۵: ۱۴۲) رئیسعلی دلواری مقاومت در مقابل دشمن و بحرانی ساختن اوضاع و احوال و نامساعد نمودن محیط و شرایط را باعث توقف افراد نیروی دشمن در بوشهر می‌دانست و حریمی برای مبارزه خود نمی‌شناخت و از این لحاظ مرتباً قرارگاههای

[۱] به نقل از: اسماعیل نورزاده بوشهری، مجله خواندنیها، شماره ۸، شنبه ۲۲ مهر ۱۳۲۳ شمسی.

سربازان هندی و انگلیسی را در حومه بوشهر مورد تعرض و حملات شبانه قرار می‌داد. انگلیسی ها در اثر رشادت و پایداری رئیسعلی و تفنگچیان او، مجبور به عقب نشینی شدند. مقارن همین اوقات بود که سر و کله «واسموس» یکی از مأموران برجسته آلمان در تنگستان پیدا شد. او با شنیدن مقاومت‌های رئیسعلی دلواری دست به کار شد و زایر خضر خان اهرمی را به یاری رئیسعلی برانگیخت.(سپهر، ۱۳۶۲: ۷۸)

با وجود موفقیت‌هایی که رئیسعلی در مبارزه با نیروهای انگلیسی به دست آورده بود، ناگهان مورد هجوم یکی از همراهان خود قرار گرفت و به شهادت رسید. نیروهای تنگستانی هم که عملیاتی را برای مبارزه با نیروهای انگلیسی تدارک دیدند، متحمل شکست شدند. ادامه درگیریها در بوشهر و شیراز باعث شد که انگلیسیها از ادامه اشغال بوشهر صرف نظر کنند. پرچم انگلیس از دارالحکومه بوشهر(عمارت امیریه) پایین آورده شد(همان: ۲۱۶، مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۶) و پرچم ایران جای آن را گرفت و یک حاکم دست نشانده ایرانی و طرفدار انگلیس نیز به حکومت بنادر، گماشته شد(یاحسینی، ۱۳۷۶: ۱۸۷؛ مابرلی، ۱۳۶۹: ۱۵۷) و در ظاهر به اشغال نظامی بوشهر خاتمه دادند هرچند که آنها نیروهای نظامی خود را در منطقه نگه داشتند.

تصرف بوشهر در سال ۱۳۳۳ق./۱۹۱۵م. و قتل رئیس‌علی دلواری و مبارزه با مردم دشتستان و تنگستان تأثیر عمده‌ای در نگرش ضد انگلیسی و رواج انزجار عمومی از سیاست‌ها و اتباع آن در جنوب ایران داشت. علاوه بر احساسات ضد انگلیسی عوامل دیگری نیز برای شورش‌ها و مخالفت‌ها فراهم بود؛ عواملی مثل قحطی، گرانی و کمبود ارزاق، تضاد میان فرمانفرما والی فارس و صولت‌الدوله و نفوذ برخی از آلمانی‌ها مثل واسموس که همچنان میان عشایر جنوب فعالیت داشت و به آنها نوید فتح می‌داد. به ویژه که در بهار ۱۳۳۶ق./ ۱۹۱۸م.، جنگ در جبههٔ غربی به نفع دولت‌های مرکزی در جریان بود(مابرلی، ۱۳۶۹: ۳۷۶)

مقاومتهای مردم و سران قبایل باعث شد تا انگلیس نیرویی با عنوان تفنگ‌داران پلیس جنوب[1] را در سال ۱۳۳۴ق./۱۹۱۶م. به فرماندهی سرپرسی سایکس تشکیل دهد.

[1] S.P.R (اس. پی. آر) نام اختصاری South Persia Rifles، که ایرانیها آن را «اسپیار» تلفظ می کردند.

نیروهای محلی صفحات جنوبی کشور مثل اسماعیل‌خان صولت‌الدوله قشقایی، ناصردیوان کازرونی، زایر خضرخان اهرمی، شیخ حسین خان چاه کوتاهی، غضنفر السلطنه برازجانی، و برخی از خوانین بلوچستان، درگیریهای زیادی را با تفنگ‌داران پلیس جنوب داشتند که در برخی از آنها شکست خوردند و در برخی نیز موفقیت‌هایی به دست آوردند.

موقعیت برتر ایران در طول جنگ باعث شد تا همزمان مورد توجه قدرت‌های درگیر در جنگ مثل روسیه، انگلیس، آلمان و عثمانی واقع شود. در نهایت این انگلیس و روسیه بود که توانست از این موقعیت بهترین استفاده را برده و نیروهای رقیب را نه تنها در ایران بلکه در طول جنگ شکست دهند.

در مورد حوادث سال‌های جنگ جهانی اول اسنادی که برجای مانده است ما را در بازسازی و تحلیل بهتر وقایع یاری می‌رسانند. لذا در ادامه این مقاله چند سند موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی مربوط به وقایع این سال‌ها و مرتبط با حوادث بوشهر آورده می‌شود.

۱۲۳۲
۱۲ جمادی الاول

حضور مبارک حضرت مستطاب اقدس والا وزارت جلیله خارجه دولت بهیه

خط مبارک زیارت شد. آنکه امر فرموده بودید توضیح تفاوت حکومت عالیه بنادر عرضه دارم مدت مدید است
توسط وزارت جلیله مالیه و نیست و جزئیات توضیحات داده بود الی بنادر مستظهر عرض شد بر خانه مبارک حضرت
اقدس رسید.

از یوم ورود نورالدوله به بنادر اطاعتی را باز و تمکین بعدالیه نموده الی رئیس و قاضی آن ملاحظه جهت رفع بعض اختلافات
از شیراز همراه آورده برقرار نموده و ابداً از قوانین عدالت خبری ندارد و نسبت به تجرّی حکام اختیارات نورالدوله
اختیارات جدید و بنادر جدید عدلیه اعظم شد رئیس عدلیه عرب آن را ریاست عدلیه بنادر برقرار کرده بود از
بندر دلفار خارجه و دو خطه بنادر اشتباح بطرف عرب آن تبعید شد نورالدوله بهیچ جهت اعتنائی بحکام
جهت دولت ندارد آقا میرزا غفران منشی رئیس عدلیه عرب آن بنادر در حبس توقیف شد هر قدر از جهت
دولت احکامات عدلیه در استخلاص او رسید جدا جهت نامه فرستش نکرد.

از روز ورود نورالدوله بنادر حاکم بطرف عراق و سایر بلاد تبعید نمود عالیه و اطفال آنها در بنادر آن
هر قدر تبعید شدگان نظم به جهت دولت کرده نمیدهم بنادر به بیع قطع نورالدوله از دولت جدید
میخواهد در ظلم و کذاری مشغول هستند و دلدوزی نیست در اوقات اگر بوجشان بوجی بخواهند بقدر بقدری
بارنج بداد آنها خواهد رسید تا الی بنادر بواسطه تعصب و بلاد خطه بنکه رهبانه بت جاهل بنادر
ظلم و تعدیات نورالدوله باید قطعیه قطعیه شود استدعا داریم بعرض فکر کنان الی ما در رسیدگی و رفع
فایده چنانچه کسی بحضور حضرت اقدس در بنادر عرض عامه چرا اورد و بنکه نورالدوله وارد بنادر
معلوم منزل شمس معزّی الیه مستقد نفر مورد بیاده و دو کمانه مسلح خود را در تمام نقاط بنادر اهم کمانک
مصباح روان در طهران حکومت بلوچستان برقرار نمود ثانیه از حجر در جهاز عازم بلوچستان نشد نورالدوله
او را بالجبر نموده پس از حد خطه احکامات لدا مرخص نموده بلوچ تا در قصبه توقیف مصباح روان شد بتکلیف

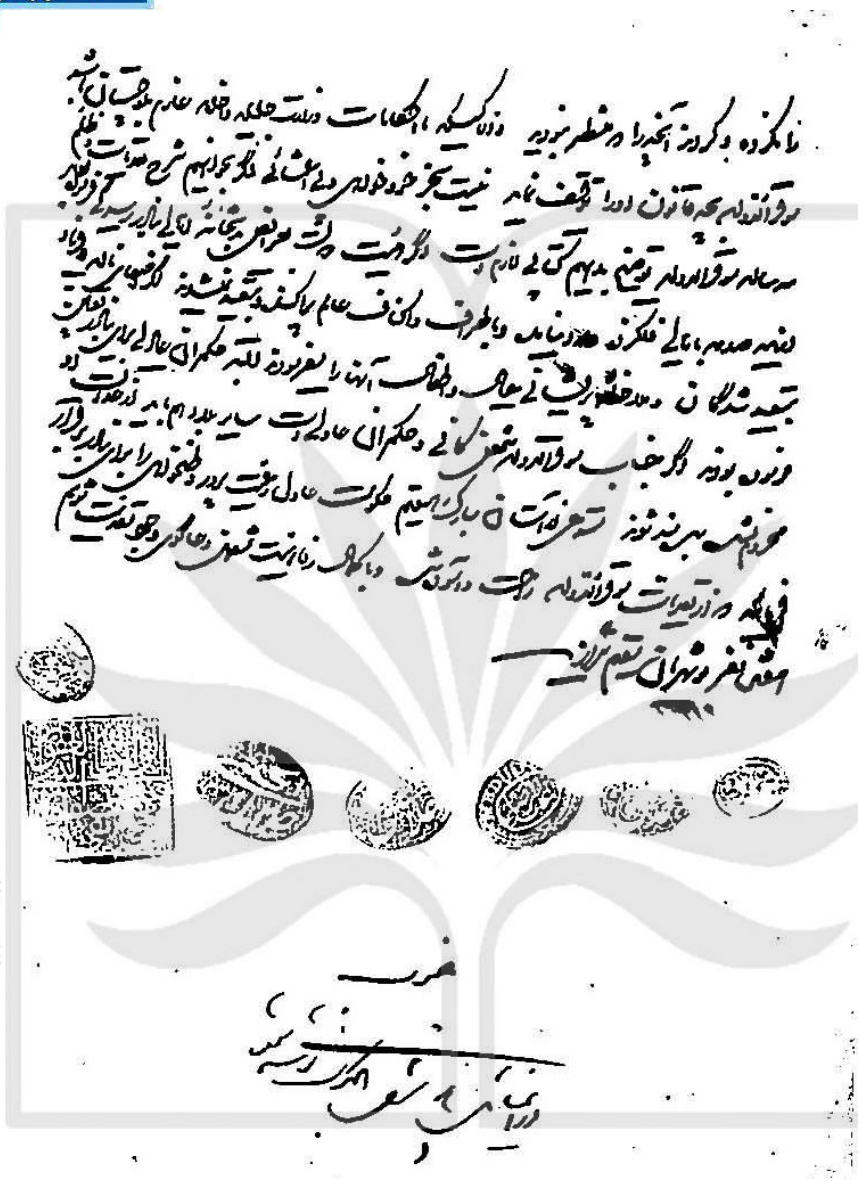

تظلم اهالی بنادر از تعدیات و اجحافات موقرالدوله- جمادی الاولی ۱۳۳۲ق.

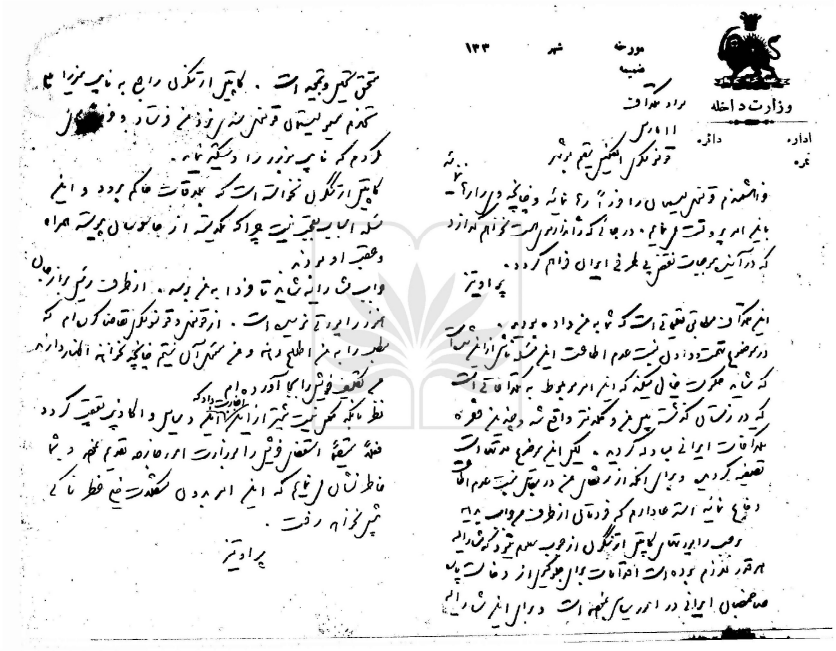

وزارت داخله

اداره: داخله

نمره:

مورخ: ۱۳۳۳

ضمیمه:

راه تلگراف

۱۱ مارس

قونسول انگلیس نیتم بوشهر

خواهشمندم قونسل میسیون را خواهش نمائید و چنانچه دراراده باین امر بوده است بنام ما در جائی که دارای نفوذ است نتوانم تواند که در آتی موجبات نقض بی طرفی ایران فراهم گردد.

پرادیز

این تلگراف مطابق تلفنی است که شاه بمن داده بود. در موضوع تقدم دادن نسبت عدم اطاعت این مستشار نظامی از این مسئله که شاه حکومت خیال میکند که این امر مربوط به تلگرافاتی است که در زمستان گذشته بین من و کلنل نت واقع شد و چند نفر فقره تلگرافات ایرانی جا بود کرده. لکن این موضوع مدتها است تصفیه گردیده و برای اینکه از نقطه نظر در مقابل نسبت عدم اطاعت دفاع نمائید لازم دارم که فوراً از طرف مرواب بدهید

موجب رایورتهای کاپیتن اوتکلن از جوب سعی خود خواهد داشت هر قدر لازم بوده است اقدامات برای جلوگیری از دخالت پلیس مستشاران ایرانی در امور سیاسی نموده است و برای این مسئله راهم

مستحق تحسین و تمجید است. کاپیتن اوتکلن راجع به نایب مزبور تا تکلیم میسیونشان قونسل نیز روز نیز زنتاد و فقط کار کردم که نایب مزبور را دستگیر نماید.

کاپیتن اوتکلن نخواسته است که بعد قات حاکم بوده و این مسئله اجابت نمیشد زیرا که نگذشته از جاسوسان پیوسته همراه و عقب او بودند

و اینکه شاه تا فردا بمن برسد. از طرف رئیس ژاندارمری هم رایورتی نرسیده است. از قونسل و قونسل تلگرافی ام که مطلب را بمن اطلاع دهند و من مستحق آن نیستم چنانچه نخواهند اقدام نمایند مراتب تعرض فوق را بکار آورده ام

فقط باینکه شخص نیست نیز از اینکه اینجا رسیدگی و اکاد پیر تعقیب گردد فقط شخصاً استعفای فوق را بوزارت امور خارجه تقدیم نمود و شما خاطرنشان میکنم که این امر بدون مشکلات نیز فقط ناکی پیش نخواهد رفت.

پرادیز

سواد تلگرافی رئیسی ژاندارمری فارس در اعتراض مستشاران سوئدی ژاندارمری به اقدامات مأمورین قشون انگلیسی در نقض بی طرفی ایران – ۱۳۳۳ق.

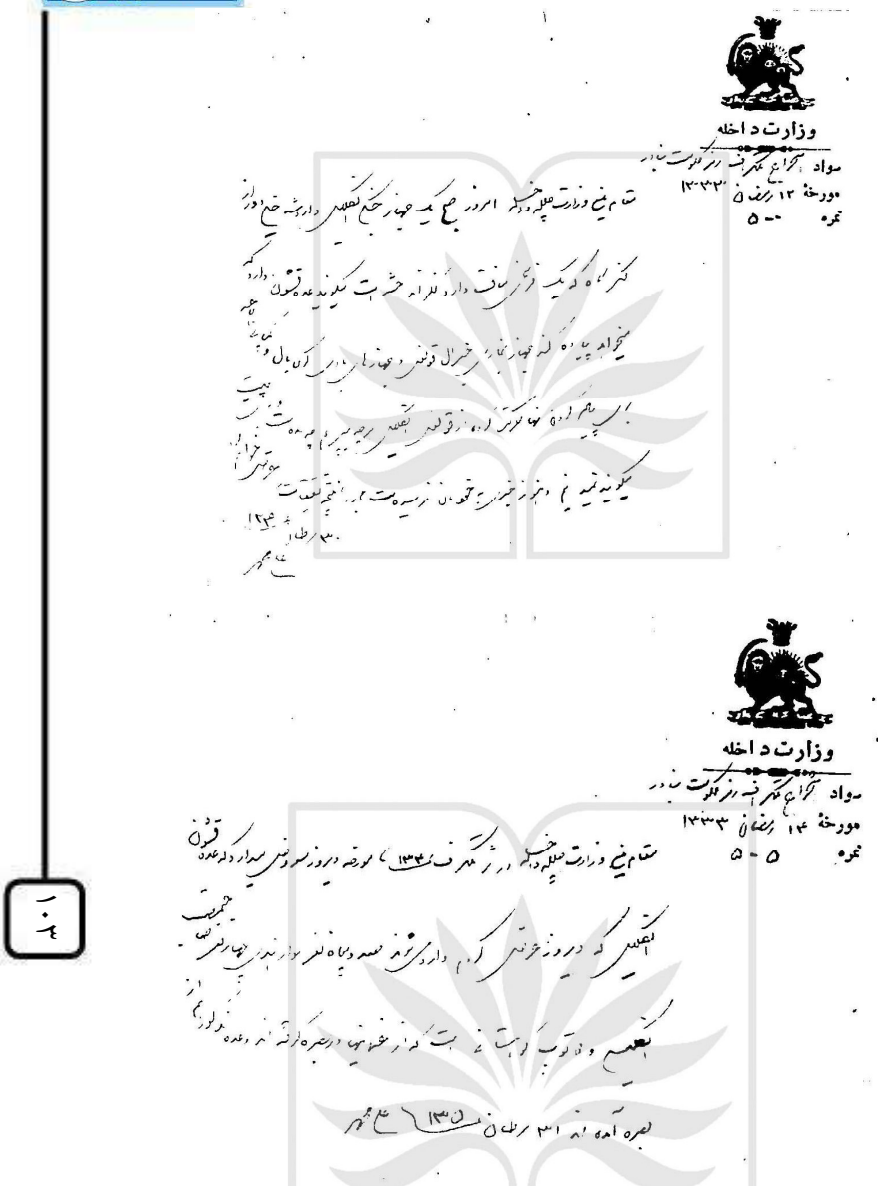

گزارش ورود قشون انگلیس به بنادر جنوب و تعداد آنها – ۱۴رمضان ۱۳۳۳ق.

نمره نمره ۱۹ ۵

Modèle 16

نمره کتاب ۲۰۳

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

سنه ۱۳۳۳

از بهر	نمره قبض	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
۱۲۹	۲۱۷	۱۹	۳۱		۳۴	
	نمره تلگراف					

[illegible]

نمره نمره ۱۶ ۱۸۱

نمره کتاب ۱۸۱

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

سنه ۱۳۳۳

از بهر	نمره قبض	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
۹۲۱	۷۷۸	۱۲۰	۱۱			
	نمره تلگراف					

[illegible]

نمونه نمره ۱۶

نمره کتاب ..... اداره تلگرافی دولت علیه ایران سنه ۱۳۳۳

از بهر	نمره قبض	بقیه	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
به طهران	نمره تلگراف	۲۲	"	"	مهر	سلام	[illegible]

[illegible]

Schiraz, le 8 Aout 1915

Traduction

Colonel Edwall

Teheran

Urgent

Selon rapport les Anglais ont occupé Bouchir et prit dans leurs mains toutes les Administrations stop On a donné un ultimatum aux postes de la Gendarmerie et les ont forcé de vider deux postes. Je ne sais pas quelles postes mais probablement Bouchir et Mazghan. Le Consul Anglais n'a communiqué ca.

(S) Oertengren

شیراز ۸ اوت ۱۹۱۵

رونوشت - فوری

سرهنگ ادوال - طهران

سرهنگ اورتنگرن

گزارش رسیده انگلیسها بوشهر را متصرف شده و تمام ادارات را در دست خود گرفته‌اند. به پستهای ژاندارمری اولتیماتوم داده‌اند و آنها را مجبور نموده پستها را خالی نمایند. نمی‌دانم کدام پستها را ولی تخمین می‌زنم پست بوشهر و دشتی باشد. قونسول انگلیس این مطلب را به ما ابلاغ نکرده است. امضاء ارتنگرن

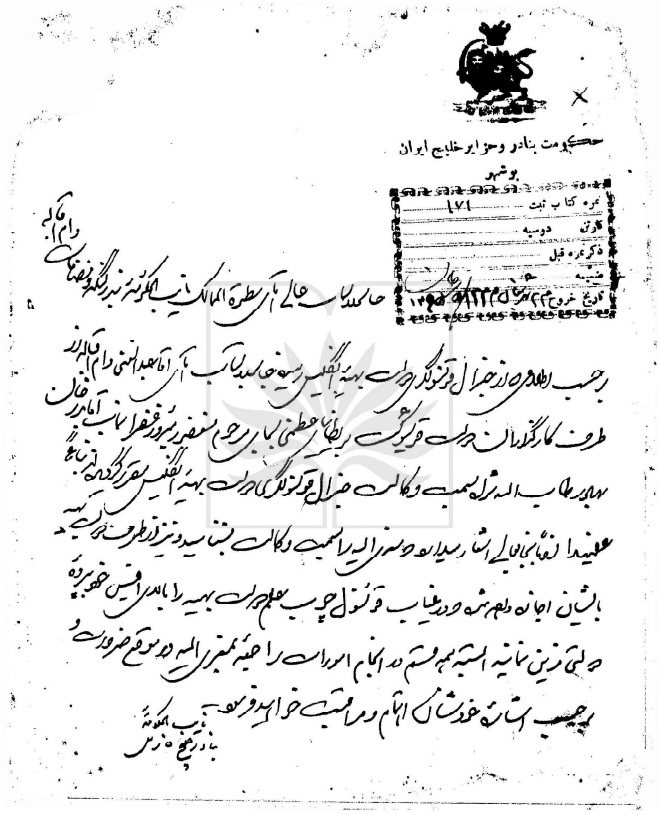

حکومت بنادر و جزایر خلیج ایران

بوشهر

نمره کتاب ثبت ۱۷۱

کارتن دوسیه

ذکر نمره قبل

شعبه

تاریخ خروج

جناب عالی آقای سرتیپ حاکم کل ایالت بنادر و جزایر خلیج فارس دام اقباله

برحسب اطلاعی که از جناب قونسول گری دولت بهیه انگلیس رسیده جناب عالی آقای آقا عبدالحسین دام اقباله از طرف کارگزاران دولت قویشوکت بریطانیا عظمی بجای مرحوم مغفور میرزا غفرانماب آقا میرزا خان بهادر طاب الله ثراه بسمت وکالت جناب قونسول گری دولت بهیه انگلیس مقرر گردیده اند تا بعد عقیده اینجانب عالی اشار سیدالله حسن زاده را بسمت وکالت بشناسید و نیز از طرف دولت بهیه بشان اجازه داده شده و در مقابل قونسول چوب علم دولت بهیه را با مدال افتخار خود برده و دلتی زین ثانیه السته بهم رسیده در انجام امور راجعه بمقرر الیه در موقع ضرورت و بر حسب اشاره خودشان اهتمام و مراقبت خواهید فرمود.

نایب الحکومه بنادر و جزایر خلیج فارس

لزوم به رسمیت شناختن نماینده کنسولگری انگلیس در بندر لنگه – ۱۳۳۴ق.

وزارت امور خارجه
اداره تحدیدات انگلیس
سواد
مورخه [redacted] ۱۳۰۹
نمره ۳۶۰

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه نمره ۵۸۲ / ۶۶۶۷ مورخه ۲۲ رجب بکارگذاری راجع بقتل نگارنده و شرارت انگلستان با نهایت حیرت و استعجاب
زیارت گردید مرقوم شده بود که دولت قهرمان نفتیه است در بنده برای استمداد از دولت انگلیس چه محل قرار میدهد و در این
در پس کشیدن قوای انگلیس از دو شهر با این استمداد یک حالت بحرانی دولت ایران چه حیثیت پیدا نموده و اخبار تاسف فرموده بودند
ماتقدم این بنده صد چندان است از اینکه در ظرف چهار سال و چند ماه گذشته در بنده سمت حکومت بنادر را داشته در مقام خدمت
و وطن پرستی وادا وظایف آنچه از دوری تجاریب و اطلاعات سابقه و لاحقه با احوال و اوضاع این سرحدات صحیح و درست
صواب دیدم بعرض اولیای امور رسانیدم و کل موعود ضایع کشتا و در ذیل در اینک یک کتابچه جمع شده راجع بتاریخ بنادر و
سیاست نظم و امنیت داخلی بسیط وسیع بنادر خلیج از مطلع و مطرح انظار خارجه است و سه تجاوزات و دخالت اجانب
جز تهیه قوه و استعداد نظامی ممکن نیست و با عده قلیل تفنگچی و بی این نگارنده نخواهد شد و اگر تجهیز یک قوه نظامی
برای بنادر نشود بیم آن است در حوادث غیر مترقبه و وقایعی که از رخ داده حالت بنادر کیک عالم تعقیب و فهم نماید
و ما را از رهنمونی در اینصورت و نقصان بنده اولیای امور را از زحمات تحقیقات بیدار نکرد و اگر بعرایض بنده اعتنا نمودند
لااقل با تنقید هم اقدام کردند در از مجاری دیگر در صدد تحقیق برآمده و معلوم کنند در این مطالبی را که بعرض رسانیده ام
برای حفظ ثغور مملکت و بر وفق مصالح دولت است یا غرض دیگر در کار است الحق هر یک از وزرای عظام
اولیای دولت یک دهکده شخصی و نظر سبب توجه و بی اعتنائی نکنند در این ثغور بزرگ مملکت میخانیه در ۱۳۳۱
راجع باقدامات متعلقه انگلیس ن در سواحل کشتان در جواب وزارت جلیله امور خارجه نمره ۵۶ مورخه ۱۲ رجب
بمکرر اینی عرض کرده ام سواد کشف را برای تذکار خاطر محترم لفا انفاذ میدارم ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۰۴ [illegible]
وزارت جلیله داخله عرض کرده ام سواد کشف را نیز لفا تقدیم میکنم کرارا و مرارا بیگونه واقعات پیش بینی و تحذیر
و استعداد نظامی را پیشنهاد کرده ام و ملتفت نه بعضی از واقعات جوابهای غیر نافع رسیده و عاقبت موعود ضایع در
سه چهار دوسیه های وزارتخانه ها کان لم یکن مشیناه گردانیده مانده و مورد توجه و اعتنا واقع نشده یا مصادف با حوادثی
با در پاکیشو زرد ا باشد و در اینهمه تحقیقات دقیقه در بقیه خودم در عالم صلح اندیشی و خیر خواهی [illegible]

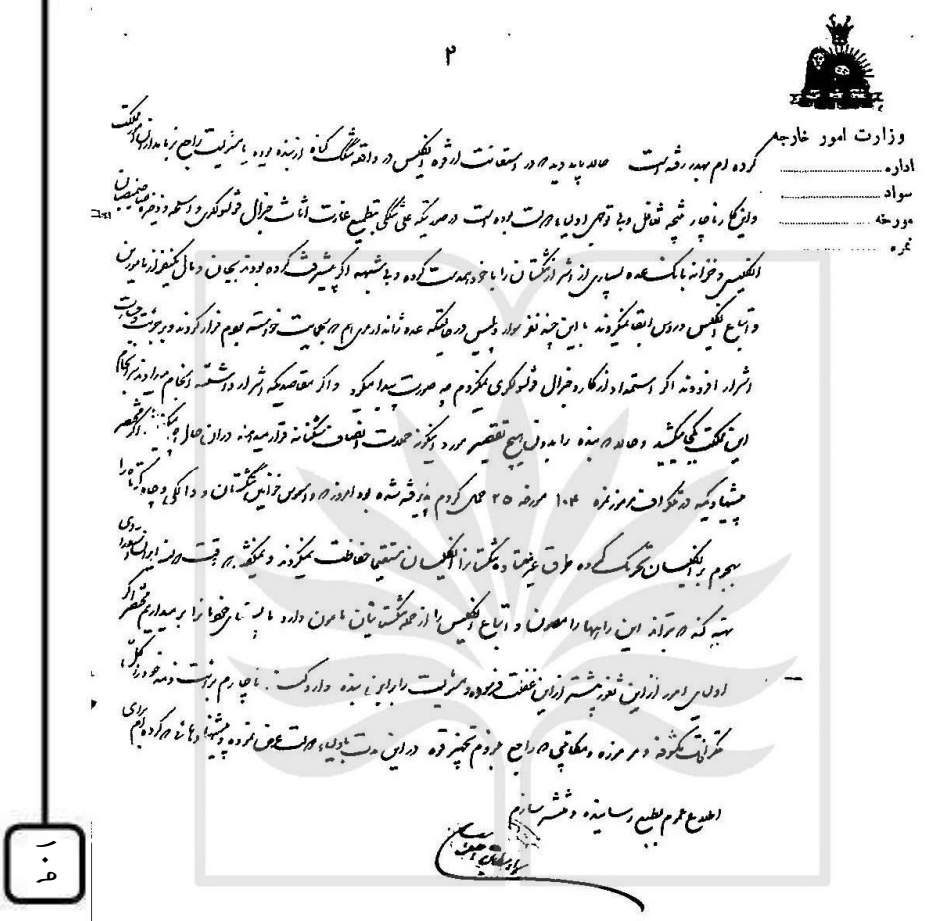

۲

وزارت امور خارجه
اداره .....
سواد .....
مورخه .....
نمره .....

هجوم دشتستانی ها به اتباع انگلیس به تحریک واسموس، لزوم تجهیز قوا جهت حفظ امنیت در منطقه (بوشهر)

وزارت امور خارجه

اداره سیاسی انگلیس

سواد تلگراف سرتیپ از حکومت ایلخانی

مورخه ۲۴ مهر شعبان ۱۳۳۳

نمره ۱۳۱

از حکومت بوشهر

در نمره ۳۸۱ زیارت نامه آقای مهر بنی تلگراف نمره ۱۲۳ حوزه بر دکه بکلیه تذکر دهنده که بر عکس شده
من حقیقت بوده است و انگلیسها به هیچ وجه قوای وجوه مدخله در امر قوچان نمی کنند و ما در حضور بنده و شمس
آگاه وقتی از بوشهر در ماه هشت قوچان است و وقتی که دیگر تمیز و منت دیگر به راه ورک جهاز شمس
بوشهر داده است و اول و سجو به اثر آهنگ داده و ابهار و انتقال رضا قلی انگلیسها تحریک نمایند نسبت ما
فقط وقتی نظم و امنیت قوچان را نقشی که در تاریخ و دنیای متمدن قوای ما تر رسی است سنت است و در دلها
در این مملکت شروع ما قوای نسبت که تشکیلات است اهالی حمت شهر در دست داده ای مسیحی است راه
یک بچه همیشه که با نقدینی همراه است مغایر و متعهد است چنانکه در تلگراف ۱۲۳ عقیده آورده
انگلیس ها راه داشت و همگی رشته از فقط شاهراه قوچان در دست نیست به تمام قوچان
قوچان سرست که شب هنگام دارد نشسته اند این کمیته مادری در وسط نیست طرفان کنار راه دارند که شبها
در آنجا نقطه در دیده است بروند هر چه بوی نرسند جواب نداده سپاه انگلیس رغم اینکه دشمن
رود را نیز نه کلوله به پاهیچه پای لوکه شده مجروح میشود نسبت خبر دارند اورا بر نقطه خرابه نشسته هر شب
بعد وفات نیز در تلگراف ۱۲۳ دارد که نه زیارت آورد رفتن در قصه عقل کرده
رفتند با که در دشتی و نشست و بسطه اقرانات در شمس و سپاه و فضای رکاب او و اشرار دولت
بر بیانات بعض تصدیق میکنند و نیز حوزه کمیته مادری نیست با دفاع خاص هیچ تمیز ندارد
و اگر نظری که در دفاع و روی و عثمانی نقل نه چه تعقیب را رود تر در به تصدیق خواهند
که رفتات و خدمات نیز در این حدود خاتمه در این نایم شاه تمیه دسته نه نمود
قبیل میشد در سپاه و دولت و مطالب انگلیس نیز را تهیه در تعقیب نمی شاهنده با وجود این تعقیب دارد
که در عراق صادقانه نیز تشکیل نمایند علی محمد

منابع:

رکن زاده آدمیت، محمد حسین، (۱۳۷۰)، **دلیران تنگستانی**، چاپ نهم، تهران، اقبال.

سپهر، احمد علی (مورخ الدوله)، (۱۳۶۲)، **ایران در جنگ بزرگ ۱۸-۱۹۱۴**، چاپ دوم، تهران، ادیب.

فراشبندی، علیمراد ، (۱۳۶۵)، **جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری**، تهران، شرکت سهامی انتشار.

کاکس، سرپرسی ،(۱۳۷۷)، **گزارشهای سالانه بوشهر**، ترجمه حسن زنگنه، به کوشش عبدالکریم مشایخی، تهران، انتشارات پروین.

مابرلی، جیمز ، (۱۳۶۹)، **عملیات در ایران**، به کوشش کاوه بیات، تهران، رسا.

مشایخی، عبدالکریم ، (۱۳۸۶)، **خلیج فارس و بوشهر:روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا در سالهای ۱۳۳۹ق-۱۳۰۸ق/۱۹۲۰-۱۸۹۰**، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بنیاد ایران شناسی شعبه استان بوشهر.

وادالا، ر.، **خلیج فارس در عصر استعمار**، (۱۳۵۶)، شفیع جوادی، تهران، سحاب.

هدایت، مهدی قلی خان (مخبرالسلطنه)، (۱۳۶۱)، **خاطرات و خطرات**، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی زوار.

یاحسینی، سید قاسم، (۱۳۷۶)، **رئیس علی دلواری**، تهران، نشر شیرازه.